

چند نگاه دیگر

نگاهی به مجموعه داستان بریم خوش گذرونی نوشته علیرضا محمودی ایرامهر

لذت دوچندان

علیرضا کیوانی نژاد



کتاب خوش گذرونی نوشته علیرضا محمودی ایرامهر

اگر بر سر این موضوع به توافق برسیم که اصولاً ادبمبای نیستیم برای ساختن و خلق یک شاهکار و بعد هم، بیاییم حوزه خلق این شاهکارها را ادبیات داستانی تلقی کنیم، آن وقت می‌توانیم محرومیت نقد و بررسی بسیاری از آثار ادبی را منطقی در دنبال کنیم.

ساده‌تر این که اصولاً کم پیش می‌آید - به نظر نگارنده این مطالب، تقریباً نزدیک به صفر است - که اثری از بستر ادبیات ایران حتی به مرزهای اوازه‌ای چون خوب نزدیک شود. کتابهای ما در این عرصه از تیراز قابل قبولی برخوردار نیستند و به قول یکی از نویسندگان، دوستان، مبتدیان کتابهایی که خرید می‌شود، توسط خود نویسنده است و دستانتش.

در این بین، آثار نوک، آنوک و نوک، آثاری پیدا می‌شوند که نه تنها خوب هستند، بلکه یک سر و گردن از تمام آثار چاپ شده در آن حیطه، برتر و متمایزترند. یکی همین کتاب حاضر یعنی «بریم خوش گذرونی» به قلم علیرضا محمودی ایرامهر است.

این مجموعه داستان موفق نشان داد از بسیاری از هم‌عصرانش، فاصله دارد. اگرچه پورتنی، گفته بود: «کسی که تمام مقدم نوشته‌ها را در نخستین جلسه بیان کند، گفت و گوهای زحمتی کرده است، اما به اشتاد نگارنده، باید همان ابتدا می‌گفتیم که این کتاب، اثری از تمازت را راجعی است که می‌خواصم و می‌بندم، می‌شنوم.

این کتاب شامل یازده داستان کوتاه و هشت داستان واژه است. داستان‌واره، عبرتی است که محمودی ایرامهر برای هشتاد و هشت روایت پیاپی کتاب ۱۵۵ صفحه‌ای خود برگزیده. این مجموعه داستان سال گذشته توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان به قیمت ۲۲۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.

اما چرا این مجموعه داستان، خوب است؟ چند مجموعه داستان را از کتابفروشیها خرید و با قلم کامل بنشیند یا آن نمی‌داند چطور بعد از خواندن فقط چند داستان، دیگر خواننده نتواند ادامه دهد. کشتنی برای خواننده داستانهایی مدعی ندارند. رومی، اصولاً مدعی برای ایرامهر کردن ندارد. رازها و حرفها نقد تکراری اول و اول هر سنده در ندادید چرت بیستی کتاب و پیرت کردن آن به گوشه‌ای، درست همین جاست که علیرضا محمودی ایرامهر هم، این مجموعه داستان خوب را روی می‌کشد. نخستین برگ بدون پندون شکت، اثرش را به قلم می‌نویسد. قلمه گفتن در عین تکلیفی بودن و گیشه‌ای نبودن.

ترجمه: احمد بهزیزی

میشل بوتور متولد ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۶، ابتدا به مطالعه ادبیات و فلسفه پرداخت، سپس با وساطت ژرژ لامبیریش، نخستین راهنمایان را در انتشارات متر میثینی منتشر کرد و از جمله رمان تفسیر که جایزه رنژود ۱۹۵۷ را برای او به ارمغان آورد. بوتور با همین رمان در زمره نخستین نویسندگان رمان نو قرار می‌گیرد.

اکتون بوتور از مرز هشتاد سالگی گذشته است و انتشارات دیرفانس نخستین مجلد از مجموعه آثار کامل وی را منتشر کرده است. به تازگی هم دستنوشته‌های وی در معرض نمایش گذاشته شده است. متن زیر در واقع آخرین گفته‌های این نویسنده است که در ۱۲ آوریل در لوموند منتشر شد. لازم به ذکر است که لوموند تنها پاسخی مکتوب بوتور را درج کرده است.

مجموعه آثار کامل منتهاست که راجع به این طرح ما به صحبت کرده‌اند و من اعتراف می‌کنم که زیاد به این موضوع فکر نکرده‌ام. از من طرحی کلی خواستند و من به ۱۴ مجلد اندیشیدم. فکرم را بکنی، اگر دانشجویان عصبانی چیزی شبیه به این کتاب غول‌پیکر را در چنین مقاله‌ای از پنجره به سوی شما پرتاب کنند، چه به سرتان خواهد آمد. من که شخصاً بسیار نگران این موضوع بودم. برخی از متونی را که خود نوشتم، اما نزدیک به ۵۰ سال است که نتواندم، مثل گذر از میلان (۱۹۵۴) یا کتابهای قدیمی‌تر. البته شهرها، مسائل تربیتی و فرهنگ می‌همشان امروز باقی مانده‌اند، اما شیوه نگارش من تغییر کرده است. من بسیار نوشته‌ام، بسیار سگر کرده‌ام و اینها آدم را تغییر می‌دهد. امروز با بنویسم این کتابها را.

خون قدس برود نمی‌کنم که این همه نوشته باشم. بیش از هزار کتاب. مردم وقتی این آثار رومیان را می‌بینند، فکر می‌کنند که خود به خود به دست آمده است. برعکس! نوشتن همواره تلاشی عظیم بوده است. برای نوشتن رمانهای نظیر آثارش تکراری اول و اول هر سنده در میمون جان من به مقدماتی احتیاج داشتم. من می‌نوشتم، دوباره می‌نوشتم، برخی صفحات را پنج‌بار ماشین می‌کردم.

ریمون رسل می‌گفت: من جمله‌ها را سر می‌برم، من می‌توانم این جمله‌ها را بارها تکرار کنم. فقط ایدئولوام این خون مقدس منتهی نوشته شده است.

روایتی

مروری بر ادبیات در نشریات جهان

گفت و گو ی لوموند با میشل بو تور نویسنده فرانسوی

کتابم یک اسلحه سرد است شاید

بوند. کتاب من بقیه را می‌ترساند. مرا متهم کردند که خواسته‌ام رمان فرانسه را بر ایران کنم. مجبور بودم توضیح بدهم. بنابراین شروع به نوشتن مقاله کردم. هر چه بیشتر رمان منتشر می‌کردم، بیشتر مقاله می‌نوشتم تا رمانها و آثارم را توضیح دهم. دلم می‌خواست به آنان بگویم: «ببینید، چیزی که من نوشتم‌ام، آن قدرها هم شرم‌آور نیست، نوشتم‌گانی که شما می‌ستایید هم چنین چیزهایی نوشته‌اند.» در مقابل و انکتشا از جمله این بود: «نه تنها نوشته‌های او خیلی بد است، بلکه جدید هم نیست!»

برخی مسافرت‌های من تعیین کننده بوده است. مصر، ایالات متحده... از طرف دیگر همه زمانهای من در فاصله مصر و ایالات متحده نوشته شدند. از وقتی زاین را شناختم، دیگر نمی‌توانم مثل سابق به یک بوته علف نگاه کنم.

برای نوشتن رمانهایی شبیه کتابهای من باید جرات خطر کردن داشته باشید. کتاب همراه من بسیار میباحثه برانگیخت. منتقدان حساسی فروریز کردند. کتابهای قبلی من وضعیت مبهمی داشتند. مردم چیزی نمی‌فهمیدند، اما به من احترام می‌گذاشتند. آنها به من اعتماد داشتند، اما راجع به همراه آنها هیچ نفهمیدند. البته غیر از آن خوانندگانی که اپولینر، مارلر یا شاعران آمریکایی را خوانده بودند.

مجموعه داستان را از کتابفروشیها خرید و با قلم کامل بنشیند یا آن نمی‌داند چطور بعد از خواندن فقط چند داستان، دیگر خواننده نتواند ادامه دهد. کشتنی برای خواننده داستانهایی مدعی ندارند. رومی، اصولاً مدعی برای ایرامهر کردن ندارد. رازها و حرفها نقد تکراری اول و اول هر سنده در ندادید چرت بیستی کتاب و پیرت کردن آن به گوشه‌ای، درست همین جاست که علیرضا محمودی ایرامهر هم، این مجموعه داستان خوب را روی می‌کشد. نخستین برگ بدون پندون شکت، اثرش را به قلم می‌نویسد. قلمه گفتن در عین تکلیفی بودن و گیشه‌ای نبودن.

داستان ایرامهر را با رازگو کنیم، چه امکان دارد در این گذر چندان که باید و شاید از پس آن برناییم.

مجموعی اما نویسنده تکلیفی می‌است. می‌داند از هر عبارت گزینده و کجا استفاده کند. اینجاست که استفاده بجای از عبارات عامیانه ساختار فارقونند جملات را موجه شده و بعد هم واضح است. این حلقه در نهایت داستان خوبی را به وجود می‌آورد.

تسویه و توضیح در این مجموعه داستان، کاملاً بیجا است. برای این که مخاطب را با آنرا مطابقت دهد، در این کتاب دویم بخش از داستان دوم کتاب با عنوان دست ساعت‌دو، در ایران نقل می‌کنیم. دشتی تاریکی برزگ کشیده‌ام و به سدا می‌شنوم. زیر پوینت ناگوش می‌دهم. یاد نزدیک می‌شود. همه جانان را پس می‌دهد آسمان را وسط تاریکی می‌بینم. مثلثی به رنگ سرخ می‌بینم... است... و نفس داردم که حاصل شرم‌تک حاصل کنارند لیه چادر و لنگاس زوروی بر است. یک شاهکار است؟ به همین سادگی آدم می‌تواند از یک شاهکار لذت ببرد. یادمان هست کارنسیسکی در پرواز را به خاطر بسیار، چلودر در وینج آدم‌ها را دانگ. اگر قدر خودش را بداند و اگر در هیاهو تعریف بعضاً باج کم نشود، می‌تواند به یکی از بهترین کوتاه‌نویسهای سالی اخیر تبدیل شود.

اما نقطه اوج داستانهایی محمودی دقیقاً همان داستان‌واره‌هایی است که در قالب یک کپیچ، خدمت‌هایی در انتهای کتاب کشیده شده. اینجا می‌خواهم کمی سلبیستی می‌عمل کنم. این داستان‌واره «مردم روی می‌نوشتم» را انتخاب می‌کنم و درباره‌اش می‌نویسم: «آیا محمودی، انتخابی کتاب شما بد تعارف عالی است.»

فردوسی را یک کینه دارم، چون هم نظیر و نظیر نامیل است. کفرش را یک کینه دارم، چون هم رزما حوصه همدین سر خودتان را داشته‌اند. این وقت چه کار می‌کنید؟ شاید هم زمان، مستان کرده‌ام با اینکه خویشتن و حیوان و بگویند یک چاقو. اگر می‌چند روز آخر عمر، همان راهکاری است که ما فکر کرییم می‌دانند. این مجموعه را فراقش را بر آنهایی گفته‌ام که فقط بلندند. این داستان‌واره‌ها، دستنوشته نویسی و محروم‌نوشتن را به عنوان ملازمی برای خود نوشته‌اند. برعکس آدم‌ها در انداز و خودشان کینه‌دارند.

داستانهایی این مجموعه داستان البته نمی‌توانستند. چون هر اثری که در آن برود، باید نوشته شده باشد. و این واقعاً این مجموعه داستان را می‌تواند نقد و نقد کند. من می‌توانم این جمله‌ها را بارها تکرار کنم. فقط ایدئولوام این خون مقدس منتهی نوشته شده است.

روایتی

خاطرات دن براون از دادگاه

دادگاه جنجالی دن براون، خالق رمان یلمسی رمز داوینچی تمام شد. البته بهتر بود می‌گفتیم این دادگاه قلم‌فلام شده است چرا که حالا نگارنده می‌بخشد و وزیر نمی‌بخشد. دن براون در گفت و گو با خبرنگار هفت نامه پرتیز از ایرور اعلام کرده است: «دادگاه ما کاملاً عادلانه بود. کرم قاضی به زمان بیشتری برای قضاوت احتیاج داشته باشد اما بعد از استماع دفاعیات من و وکلای انتشارات راندوم هاوز، خیلی بد به نفع من رأی دادند. حالا قصد دارم جریان این دادگاه را برای مردم و کسانی که پیگیر آن بودند، بنویسم. هنوز

خبرسازان

دانیل استیل برای خوانندگان ایرانی زیادی معروف و مشهور است. چرا که کتاب هایش در ایران به تیرازهای باورنکردنی رسیدند و حتی ناشرین خود، قلم نمی‌توانستند برای او حد و او بتواند دانسته عسده‌ای از جوان‌های اسرائیلی را به سده بیاید. رمان‌های مثل «بیمان» یا «پرواز» یا «بادتاز هسند؟» البته او در کشور خودش آمریکا هم از شهرت و ثروت زیادی برخوردار است.

این‌خاتم نویسنده به تازگی هم کتابی را به بازار کتاب آمریکا عرضه کرده با نام «خانه»، البته فکر نکنید خاتم استیل، کتابش را به دست ناشر گمنامی سپرده است. اگر فرصت کردی سری برتیند به سایت انتشارات بزرگ رندوم هاوز و ببینید این نویسنده کتابش را با چه تیراز و باور باز کرده است. این خاتم نویسنده به تعداد قابل‌بازاری کتاب نوشته‌است. پس متعجب نکشید اگر بعضی از مترجمان ایرانی، با اطلاع از این موضوع، چند کتاب تخیلی به نام وی ترجمه کرده‌اند...

رمان نویسان بزرگ دنیا بر این نکته توافق دارند که هم‌های برجسته آمریکایی لاتین، خاصه آنهایی که از ذهنیت نویسنده‌گانی که چون یوسا، مارکز، فونتس و هوبیت شده‌اند، ادامه رمان‌های بزرگان اروپا نظیر داستایوفسکی است. البته این رمان‌ها به خودی خود، نه تنها یک تکلیف منحصر به فرد، این مطلب روزنامه مسکو تأیید، بسیار خواندنی است. خصوصاً جایی که نویسنده هر سال اعلام می‌کند به زمین، گابریل گارسیا مارکز، اصولاً نویسنده قابلی نیست. حالا قضاوت این موضوع بماند برای بعد هر عهده کسانی که واقماً آثار نویسندگان آمریکایی لاتین و آمریکای جنوبی را استایش می‌کنند.

روایتی

هدای دکترای افتخاری به مترجم آمریکایی اشعار مولوی

مشاور رئیس دانشگاه تهران گفت: دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی را به کلنن بارکس مترجم آمریکایی اشعار مولانا به زبان انگلیسی دکترای افتخاری می‌دهد. سید احمدرضا خضری با اشاره به اینکه کلنن بارکس مترجم مولوی را به زبان فارسی ترجمه کرده است، گفت: اشعار مولوی قبلاً نیز به انگلیسی ترجمه شده بود اما تفاوت کار کلنن بارکس این است که او اشعار مولانا را به صورت شعر به انگلیسی برگردانده است. وی با تأکید بر اینکه کتاب شعر ترجمه شده از اشعار مولانا دیوان رومی نام دارد، گفت: اکنون بیش از ۵۰۰ هزار جلد از کتاب «دیوان رومی» کلنن بارکس در آمریکا به فروش رسیده است. مشاور رئیس دانشگاه تهران اظهار کرد: پیشنهاد تقدیر از کلنن بارکس توسط دانشکده ادبیات و زبان فارسی بود و این مراسم روز ۲۷ اردیبهشت در تالار دو دروس دانشکده ادبیات از ساعت ۱۰ صبح برگزار می‌شود. وی با اشاره به اینکه دیوان رومی در سال ۱۹۹۷ منتشر شده است، گفت: کتاب دیوان رومی تمام اشعار مولوی نیست و تنها گزیده‌ای از اشعار است.

مشکل اصلی بسیاری از جوان‌ها نداشتن «جرات» است

داوینچی تمام شد. البته بهتر بود می‌گفتیم این دادگاه قلم‌فلام شده است چرا که حالا نگارنده می‌بخشد و وزیر نمی‌بخشد. دن براون در گفت و گو با خبرنگار هفت نامه پرتیز از ایرور اعلام کرده است: «دادگاه ما کاملاً عادلانه بود. کرم قاضی به زمان بیشتری برای قضاوت احتیاج داشته باشد اما بعد از استماع دفاعیات من و وکلای انتشارات راندوم هاوز، خیلی بد به نفع من رأی دادند. حالا قصد دارم جریان این دادگاه را برای مردم و کسانی که پیگیر آن بودند، بنویسم. هنوز



مشاور رئیس دانشگاه تهران گفت: دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی را به کلنن بارکس مترجم آمریکایی اشعار مولانا به زبان انگلیسی دکترای افتخاری می‌دهد.



مشکل اصلی بسیاری از جوان‌ها نداشتن «جرات» است

داوینچی تمام شد. البته بهتر بود می‌گفتیم این دادگاه قلم‌فلام شده است چرا که حالا نگارنده می‌بخشد و وزیر نمی‌بخشد. دن براون در گفت و گو با خبرنگار هفت نامه پرتیز از ایرور اعلام کرده است: «دادگاه ما کاملاً عادلانه بود. کرم قاضی به زمان بیشتری برای قضاوت احتیاج داشته باشد اما بعد از استماع دفاعیات من و وکلای انتشارات راندوم هاوز، خیلی بد به نفع من رأی دادند. حالا قصد دارم جریان این دادگاه را برای مردم و کسانی که پیگیر آن بودند، بنویسم. هنوز

روایتی

هدای دکترای افتخاری به مترجم آمریکایی اشعار مولوی

مشاور رئیس دانشگاه تهران گفت: دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی را به کلنن بارکس مترجم آمریکایی اشعار مولانا به زبان انگلیسی دکترای افتخاری می‌دهد. سید احمدرضا خضری با اشاره به اینکه کلنن بارکس مترجم مولوی را به زبان فارسی ترجمه کرده است، گفت: اشعار مولوی قبلاً نیز به انگلیسی ترجمه شده بود اما تفاوت کار کلنن بارکس این است که او اشعار مولانا را به صورت شعر به انگلیسی برگردانده است. وی با تأکید بر اینکه کتاب شعر ترجمه شده از اشعار مولانا دیوان رومی نام دارد، گفت: اکنون بیش از ۵۰۰ هزار جلد از کتاب «دیوان رومی» کلنن بارکس در آمریکا به فروش رسیده است. مشاور رئیس دانشگاه تهران اظهار کرد: پیشنهاد تقدیر از کلنن بارکس توسط دانشکده ادبیات و زبان فارسی بود و این مراسم روز ۲۷ اردیبهشت در تالار دو دروس دانشکده ادبیات از ساعت ۱۰ صبح برگزار می‌شود. وی با اشاره به اینکه دیوان رومی در سال ۱۹۹۷ منتشر شده است، گفت: کتاب دیوان رومی تمام اشعار مولوی نیست و تنها گزیده‌ای از اشعار است.

روایتی

هدای دکترای افتخاری به مترجم آمریکایی اشعار مولوی

مشاور رئیس دانشگاه تهران گفت: دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی را به کلنن بارکس مترجم آمریکایی اشعار مولانا به زبان انگلیسی دکترای افتخاری می‌دهد. سید احمدرضا خضری با اشاره به اینکه کلنن بارکس مترجم مولوی را به زبان فارسی ترجمه کرده است، گفت: اشعار مولوی قبلاً نیز به انگلیسی ترجمه شده بود اما تفاوت کار کلنن بارکس این است که او اشعار مولانا را به صورت شعر به انگلیسی برگردانده است. وی با تأکید بر اینکه کتاب شعر ترجمه شده از اشعار مولانا دیوان رومی نام دارد، گفت: اکنون بیش از ۵۰۰ هزار جلد از کتاب «دیوان رومی» کلنن بارکس در آمریکا به فروش رسیده است. مشاور رئیس دانشگاه تهران اظهار کرد: پیشنهاد تقدیر از کلنن بارکس توسط دانشکده ادبیات و زبان فارسی بود و این مراسم روز ۲۷ اردیبهشت در تالار دو دروس دانشکده ادبیات از ساعت ۱۰ صبح برگزار می‌شود. وی با اشاره به اینکه دیوان رومی در سال ۱۹۹۷ منتشر شده است، گفت: کتاب دیوان رومی تمام اشعار مولوی نیست و تنها گزیده‌ای از اشعار است.

روایتی

هدای دکترای افتخاری به مترجم آمریکایی اشعار مولوی

مشاور رئیس دانشگاه تهران گفت: دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی را به کلنن بارکس مترجم آمریکایی اشعار مولانا به زبان انگلیسی دکترای افتخاری می‌دهد. سید احمدرضا خضری با اشاره به اینکه کلنن بارکس مترجم مولوی را به زبان فارسی ترجمه کرده است، گفت: اشعار مولوی قبلاً نیز به انگلیسی ترجمه شده بود اما تفاوت کار کلنن بارکس این است که او اشعار مولانا را به صورت شعر به انگلیسی برگردانده است. وی با تأکید بر اینکه کتاب شعر ترجمه شده از اشعار مولانا دیوان رومی نام دارد، گفت: اکنون بیش از ۵۰۰ هزار جلد از کتاب «دیوان رومی» کلنن بارکس در آمریکا به فروش رسیده است. مشاور رئیس دانشگاه تهران اظهار کرد: پیشنهاد تقدیر از کلنن بارکس توسط دانشکده ادبیات و زبان فارسی بود و این مراسم روز ۲۷ اردیبهشت در تالار دو دروس دانشکده ادبیات از ساعت ۱۰ صبح برگزار می‌شود. وی با اشاره به اینکه دیوان رومی در سال ۱۹۹۷ منتشر شده است، گفت: کتاب دیوان رومی تمام اشعار مولوی نیست و تنها گزیده‌ای از اشعار است.

روایتی

